

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

الحاج داکتر امین الدین سعیدی

۱۱ جنوری ۲۰۲۱

بسم الله الرحمن الرحيم

سورة المعراج

سورة معارج در مکه مکرمه نازل شده و دارای چهل و چهار آیت و دو رکوع می باشد.

۴



نقش زکات در ساختار جامعه انسانی:

فرق میان جامعه انسانی و سرزمین حیوانات (جنگل) در یک نقطه اساسی نهفته است، که انسان برای دیگران و حیوان برای خود زندگی می کند.

هرگاه در جامعه انسانی هر کسی به خاطر منفعت شخصی خود سعی و تلاش ورزیده و به بی توجهی به دیگران مشغول گردد، شخصیت انسانی خویش را از دست می دهد، دین مقدس اسلام برای ساختار جامعه اسلامی زکات را فرض نموده است، تا انسان برای خیراندیشی دیگران از اموال حلال و پاک خویش مصرف نماید، و مقداری از پول خود را برای سایر کسانی که از نعمت مال محروم اند مصرف نماید.

لِّلْسَائِلِ وَالْمَحْرُومِ (۲۵)

برای گدا و محروم (۲۵)

«وَالْمَحْرُومِ»: محروم از عطا و بخشش که سؤال نمی کند.

وَالَّذِينَ يُصَدِّقُونَ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ (۲۶)

و آنانی که به روز جزا (قیامت) یقین کامل دارند. (۲۶)

معنای ایمان به روز آخرت همانا باور عمیق به این که خداوند مردم را از قبور برمی انگیزد و سپس به حسابشان رسیدگی می نماید و سزای اعمالشان را می دهد، تا این که بهشتیان در منزلشان در بهشت و دوزخیان در جایگاه شان در دوزخ قرار می گیرند.

ایمان به روز آخرت یکی از ارکان ایمان است. ایمان جز با ایمان به روز آخرت صحیح نمی شود. خداوند فرموده است: «وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ» (سوره بقره: آیت ۱۷۷) (بلکه نیکی (و نیکوکار) کسی است که به الله و روز قیامت ایمان آورده باشد).

وَالَّذِينَ هُمْ مِنْ عَذَابِ رَبِّهِمْ مُشْفِقُونَ (۲۷)

و آنانی که از عذاب پروردگارشان بیمناک اند. (۲۷)

«مُشْفِقُونَ»: از کبریائی او تعالی ترسان اند.

بل از همه باید گفت خوف و ترس همیشگی و به اصطلاح در همه موارد و یا همه جا مذموم و مضر می باشد. بر اساس حکم آیاتی قرآنی و احادیث نبوی، ترس از الله، ترس از قیامت، ترس از محکمه عدل الهی و بررسی اعمال انسان در روز جزا، ترس از عذاب الهی از جمله ترس و خوف های معقول و مفید می باشد.

در قرآن عظیم الشان ده ها آیت در بیش از ۲۰ سوره از کلام الهی به مسأله خوف از خداوند اشاره دارد که روشن ترین و واضح ترین پیام آن مطلوبیت و شایستگی خوف از پروردگار است. (مراجعه شود به (آیت ۲۸ سوره فاطر) «إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ» (از بندگان الله تنها علماء اند که از او می ترسند) بناءً گفته می توانیم که: دانشمندان بی تقوا، تا هنوز به علم واقعی نرسیده اند. در این شک نیست که اهل عبادت بسیار است، ولی تنها عالمان به مقام خشیت می رسند.

ترس و خوف از «مقام الهی» در قرآن عظیم الشان تأکید و مورد ترغیب قرار گرفته است. طوری که الله متعال در (آیت ۴۶ سوره رحمان) می فرماید «وَلِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٌ». «و برای آن کسی که از مقام پروردگارش بهراسند، دو باغ بهشت است»

ترس از قیامت و بررسی اعمال هم به نوعی با اعمال و رفتار انسان مرتبط است یعنی آن حوادث در قیامت به واقع شایسته اضطراب اند و چنین حالتی به جهت عدم اطمینان نسبت به صحت و قبولی اعمال در گذشته و آینده به وجود می آید البته بیم و اضطراب از قیامت برای افراد صالح، تنها در این دنیا است و آنان در جهان دیگر اضطرابی ندارند.

«لَا يَخْرُجُ مِنْهُمُ الْفَرْغُ الْأَكْبَرُ وَ تَتَلَقَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ هَذَا يَوْمُكُمْ الَّذِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ» (آیت ۱۰۳ سوره انبیاء) (بزرگ ترین وحشت (آن روز) آنان را غمگین (و مضطرب) نمی سازد و فرشتگان به ملاقات (و استقبال) آنان می روند (و می گویند): این روزی است، که به شما وعده داده شده بود.

ترس و خوف از عذاب الهی در آیات (۱۵ الی ۱۷) در سوره معارج به تفصیل بیان شده و در زمینه به انسان هشدار داده شده است.

إِنَّ عَذَابَ رَبِّهِمْ غَيْرُ مَأْمُونٍ (۲۸)

چون از عذاب پروردگارشان در امان نیست. (۲۸)

وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ (۲۹)

و کسانی که شرمگاه هایشان را (از بیعتی) محافظت می کنند. (۲۹)

قرآن عظیم الشان طی فورمول و نسخه طلایی به اشخاص پاکدامنی که شرمگاه های خود را از بدکاری حفظ می کنند، مژده جنت و ماندگاری در آن داده و می فرماید:

«أُولَئِكَ هُمُ الْوَارِثُونَ، الَّذِينَ يَرِثُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» (سورة المؤمنون: ۱۰-۱۱).

«آنان مستحق و به ارث برنده بهشت هستند کسانی که بهشت برین را تملک می کنند و جاودانه در آن می مانند». پیامبر بزرگ بشریت محمد صلی الله علیه و سلم فرموده است: «مَنْ يَضْمَنْ لِي مَا بَيْنَ لَحْيَيْهِ وَمَا بَيْنَ رِجْلَيْهِ أَضْمَنْ لَهُ الْجَنَّةَ» (روایت بخاری، حدیث شماره (۶۴۷۴) به روایت ترمذی، حدیث (۲۴۰۸) یعنی: «هرکس به من ضمانت دهد که زبان و شرمگاهش را حفظ کند، من نیز برایش بهشت را ضمانت می کنم». بناءً اگر انسان خود را از حرام نگاه ندارد و اعضای بدن خویش را از آلوده شدن به گناه محفوظ بدارد، مژده الهی در باره شما تحقق می یابد؛ چرا که ضمانت بهشت و شایستگی برخورداری از نعمت های آن برای شما را رسول الله صلی الله علیه و سلم نموده است.

پروردگار متعال مردان و زنان را به حفظ نگاه هدایت و فرمان داده است، و می فرماید:

«قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ، وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ». «به مردان مؤمن بگو که چشمانشان را [از دیدن نامحرم] فرو پوشند و پاکدامنی ورزند. این برایشان پاکیزه تر است. بی گمان خداوند از آنچه می کنند با خبر است، و به زنان مؤمن بگو: چشمانشان را [از نگریستن به نامحرم] فرو پوشند» (سورة النور. ۳۰ و ۳۱)

خداوند زنان و مردان مؤمن را به حفظ نگاه فرمان داده است. از نظرات اصول فقهی امر مقتضی وجوب است، سپس خداوند بیان فرموده که این بهتر و پاکیزه تر است. شریعت فقط نگاه ناگهانی را مورد عفو قرار داده است. حاکم در مستدرک از علی رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ روایت می کند که پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «يَا عَلِيُّ، لَا تُتْبِعِ النَّظْرَةَ النَّظْرَةَ، فَإِنَّمَا لَكَ الْأُولَى، وَلَيْسَتْ لَكَ الْآخِرَةُ»

«ای علی! پس از افتادن نگاه اول، دوباره نگاه نکن، تو فقط نگاه اول را حق داری و نگاه دوم را حق نداری.» حاکم بعد از تخریج حدیث می گوید: این حدیث مطابق با شرایط شیخین صحیح است، ذهبی در «تلخیص» با حاکم موافق است، و چند حدیث دیگر به همین معنی آمده است.

إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مُلْؤِمِينَ (۳۰)

مگر از زنان خود یا کنیزی که آنها را مالک اند، که [درباره آنها] ملامتی برایشان نیست. (۳۰)

فَمَنْ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْعَادُونَ (۳۱)

پس کسانی که در بهره گیری جنسی راهی غیر از این جویند، تجاوزکار از حدود حق اند. (۳۱)

«الْعَادُونَ»: متجاوز از حلال به حرام.

بیشترین گناه در بین انسانها و بخصوص نسل جوان ناشی از برافروختگی نیروی شهوت در او است. شرع اسلامی طی دساتیر عالمانه و انسانی خویش که با فطرت انسان به صورت مطلق سازگار است کوشیده است که تا حدود زیادی انسان را از آلودگی محفوظ بدارد، ولی با آنهم انسان دارای غرایزی است که اگر به موقع و به صورت صحیح ارضا نشود، سلامتی بدنی و روانی و حالت های معنوی انسان را نیز دچار دشواری های خطرناکی خواهد ساخت. نیروی غریزه در انسان به قدری قوی است که با تأسف گاهی باعث شکسته شدن مقاومت افرادی می شود که به علم و عمل مشهور عام و خاص بوده اند. باید سعی کنید هر چه زودتر پاسخ منطقی و مناسبی برای تأمین نیازهای طبیعی و غرایز داشته باشید و زمینه ازدواج خود را به هر صورت که ممکن باشد، فراهم سازید. بهترین و اساسی ترین راهکار کنترل شهوت و ترک گناه همانا ازدواج است.

ازدواج به خصوص برای کسانی که توانائی داشته باشند، واجب است، زیرا ازدواج، باعث عفت و نگهداری نفس می شود. ازدواج سنتی می باشد که خداوند متعال آن را غرض سیر کشتی زندگی به طرف صلاح و فلاح تشریع کرده. ازدواج يك وجبۀ اجتماعی است تا از انقضای نوع بشر جلوگیری شود. ازدواج بهترین راه برای ایجاد عشق و علاقه و محبت در بین مردان و زنان است.

ازدواج در اسلام، عقد، عهد و پیمانی است در بین زن و شوهر طوری که خداوند متعال در قرآن عظیم الشان می فرماید: «وَأَخْذُنْ مِنْكُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا» (زنان) باعقد ازدواج که با شما می بندند(عهد و پیمان بسیار محکمی از شما می گیرند(نساء: ۲۱)

از مفهوم این آیت متبرکه که می توان چنین استنباط کرد:

ازدواج عهد و پیمانی است بسیار محکم که زن آن را از مرد می گیرد و با ایجاد چنین عهد و میثاقی در بین آنان، هر يك متعهد می شوند که وظیفۀ خود را نسبت به هم به خوبی انجام دهند، طوری که این مفهوم از جمله «میثاقاً غلیظاً» بخوبی واضح و آشکار می گردد که پروردگار ما با چه زیبایی تعبیر با ارزش رابطه زناشویی را بیان داشته است. بناءً ازدواج در دین مقدس اسلام معامله تجاری و تملکی مانند خرید و فروش و اجاره نیست، و یا معامله ای نیست که زن را تقریباً به صورت برده در آورد و اختیارات او را سلب کرده باشد. ازدواج در دین مقدس اسلام قرار داد است که برای طرفین عقد زن و شوهر حقوق و وجائب تعیین می کند و رسالت هر يك از زوج و زوجه را در فامیل، خانواده و جامعه تعیین می دارد. رابطه و علاقه در بین زن و شوهر رابطه اطمینان و آرامش است، در امر ازدواج قلبها آرام می گیرند و مهر و محبت به وجود می آید.

حضرت ابن عباس (رض) می گوید: «عبادت انسان تکمیل نمی شود تا ازدواج نکند. هدف ابن عباس این است که وی ازدواج را جزء عبادت و مکمل آن قرار داده است و اگر به مفهوم حکمت و فلسفۀ ازدواج هم دقت به عمل آید، قلب انسان به اثر ازدواج از فشار و غلبۀ شهوت آرام می شود و عبادت هم جز با قلب فارغ و آرام تکمیل نخواهد شد. ابن مسعود (رض) می گفت: اگر تنها ده روز از عمرم باقی بماند دوست دارم ازدواج کنم تا به حالت مجرد و عزب به حضور پروردگارم نرسم.

خواننده محترم!

در آیت «فَمَنْ ابْتَغَى وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْعَادُونَ» ارضای غریزه جنسی از راههای حرام، نوعی تجاوزگری به شمار می رود. و در آیت فوقانی طروق جایز رفع حاجات شهونی را شرع اسلامی همسر و کنیز قرار داده است. و سایر طروق را ناجایز و ممنوع نموده که شامل سایر شهوت رانی ها و نکاح هائی می شود که از نظر شرع حلال نیستند، مانند نکاح با زنانی که نکاح با آنها شرعاً حرام باشد و هم چنین نکاح متعه که شرعاً نکاح جایز نیست.

همچنان تعداد زیاد از مفسرین استمناء با دست را هم مشمول عمومیت این آیت قرار داده و آن را حرام اعلام داشته اند. أبو الوليد عبد الملك بن عبد العزيز بن جريج (متولد سالهای ۸۰ هـ وفات ۱۵۰ هـ) از فقهای مشهور جهان اسلام و تبع تابعی می فرماید که در این مورد از حضرت عطا پرسیدم فرمود که آن مکروه است؛ شنیده ام که در محشر گروهی از مردم با دستانی باردار می آیند، به گمانم آنها کسانی هستند که با دست شهوت رانی کرده اند. استمناء عبارت از این است که شخص در رابطه جنسی با خود، کاری کند که منی از وی خارج شود. خود ارضائی هنگامی رخ می دهد که فرد به قصد انزال منی و لذت جنسی خود را تحریک می کند تا به اوج لذت برسد.

در این بخش می خواهیم مختصراً به اضرار جسمی و روانی استمنا اشاره نمایم:

- ۱- تحریک زیاد هیپوتالاموس و در نتیجه تحریک افراطی غدد جنسی که سبب پرکاری نامتناسب آنها می شود و بلوغ زودرس را به دنبال دارد.
 - ۲- کاهش و تخلیه مکرر قوای جسمی و روحی که به ضعف عمومی بدن و بالاخره پیری زودرس می انجامد.
 - ۳- به علت افزایش جریان خون در اعضای تناسلی، مغز و مراکز حساس دیگر، پیوسته دچار کاهش نسبی جریان خون می شود.
 - ۴- رکود فکری، اختلال و ضعف حافظه و کاهش اراده در کسانی که استمنا می کنند، دیده می شود.
 - ۵- ضعف بینایی و بی اشتیاهی و در صورت افراط، ضعف استخوانی و ناراحتی های مفصلی در این افراد شایع است.
 - ۶- فرد از نظر فکری نوعی توجه نسبتاً مداوم به موضوعات جنسی پیدا می کند که این امر مانع تفکر آزاد وی می شود.
 - ۷- در مراحل افراطی به ضعف جنسی و انزال زود رس منجر می شود.
 - ۸- به علت ارضای ناقص و غیرطبیعی، بعد از ازدواج غالباً در امور زناشویی با مشکل مواجه می شوند.
 - ۹- گوشه گیری، یأس و بی تفاوتی نسبت به مسائل مهم و حیاتی، غم و کدورت روانی از عوارض دیگر آن است.
 - ۱۰- در موارد شدید خود آزاری ایجاد شده و شخص از آزار رساندن به خود لذت می برد.
- ادامه دارد